

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Conditions for the Realization of the Defense of Duress in the Criminal Law of Iran and the United States

Seyed Hadi Nourbakhsh¹, Samira Golkhandan^{1*}, Akbar Rajabi¹

1. Department of Law, Khom.C., Islamic Azad University, Khomein, Iran

* Corresponding Author's Email: s.golkhandan@iau.ac.ir

ABSTRACT

According to Article 153 of the Islamic Penal Code of Iran, if a person commits a crime under duress and severe coercion, they may be exempt from criminal liability. In the Iranian legal system, duress must be intense and unbearable, meaning that the pressure exerted on the individual must be of such a degree that it disrupts the freedom of will and compels the person to commit the offense. In Iran, the accused must present acceptable evidence to establish the existence of duress, and the burden of proof rests upon the defendant (Islamic Penal Code of Iran, 2013). In the legal system of the United States, duress is recognized as a legal defense; however, its application depends on state law and therefore varies among jurisdictions. In some states, the conditions of duress may arise from severe psychological pressure, whereas in others they are primarily associated with physical coercion. Consequently, the legal requirements for duress differ across states. In many U.S. jurisdictions, once the defendant invokes duress, the burden may shift to the prosecution to prove that the defendant did not act under duress, and this allocation of the burden of proof can significantly influence the outcome of the case. Although both legal systems acknowledge duress as a legitimate defense, they differ substantially in their procedural details, substantive conditions, and evidentiary standards.

Keywords: duress; coercion; defense; criminal responsibility; justificatory grounds; exemption

How to cite: Nourbakhsh, S. H., Golkhandan, S., & Rajabi, A. (2026). Conditions for the Realization of the Defense of Duress in the Criminal Law of Iran and the United States. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(5), 1-18.



تاریخ ارسال: ۱ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۸ دی ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۶ دی ۱۴۰۴
تاریخ چاپ اولیه: ۲۰ تیر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

شرایط تحقق دفاع اکراه در حقوق کیفری ایران و آمریکا

سید هادی نوربخش^۱، سمیرا گلخندان^{۲*}، اکبر رجبی^۳

۱. گروه حقوق، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: s.golkhandan@iau.ac.ir

چکیده

طبق ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی، اگر فردی تحت اکراه و فشار شدید مرتکب جرم شود، ممکن است از مسئولیت کیفری معاف شود. در نظام حقوقی ایران، اکراه باید شدید و غیرقابل تحمل باشد. این به این معناست که فشار و اکراه باید به حدی باشد که آزادی اراده فرد را مختل کند و او را وادار به ارتکاب جرم کند. در ایران، شخص متهم باید دلایل قابل قبولی برای اثبات اکراه ارائه دهد و بار اثبات بر دوش متهم است. در ایالات متحده آمریکا، اکراه به عنوان یک دفاع قانونی شناخته شده است، اما قوانین آن به ایالت‌های مختلف بستگی دارد و در هر ایالت می‌تواند تفاوت‌هایی داشته باشد. در برخی ایالت‌ها، شرایط اکراه ممکن است از طریق سختی و فشار روحی باشد و در برخی دیگر به فشار جسمی مرتبط باشد. بنابراین، شرایط اکراه می‌تواند متفاوت باشد. در بسیاری از ایالت‌ها، در صورتی که متهم به اکراه استناد کند، ممکن است بر عهده مدعی باشد که اثبات کند متهم تحت اکراه نبوده است. این تغییر در بار اثبات ممکن است تأثیر زیادی در نتیجه پرونده داشته باشد. هرچند هر دو سیستم حقوقی به اصل دفاع اکراه احترام می‌گذارند، اما از نظر جزئیات اجرایی، شرایط و بار اثبات، تفاوت‌های قابل توجهی دارند.

کلیدواژگان: اکراه، اجبار، دفاع، مسئولیت کیفری، علل موجه، معافیت

نحوه استناددهی: نوربخش، سید هادی، گلخندان، سمیرا، و رجبی، اکبر. (۱۴۰۵). شرایط تحقق دفاع اکراه در حقوق کیفری ایران و آمریکا. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۵)، ۱-۱۸.

۳۷۹ و ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی نیز چند اصل کلیدی مرتبط با شرایط دفاع اکراه آمده است. ماده ۳۷۸ بر لزوم اثبات اکراه تأکید دارد. به عبارتی، مدعی باید شواهد و مدارک کافی ارائه دهد تا ثابت کند که تحت فشار و تهدید قرار گرفته و ناچار به ارتکاب فعل شده است. این بار اثباتی به حفظ عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده از ادعاهای بی پایه کمک می‌کند. ماده ۳۷۹ به مسئولیت اکراه‌کننده می‌پردازد. این ماده تأکید می‌کند که اگر اکراه‌کننده به‌طور آگاهانه فرد دیگری را تحت فشار قرار دهد و این منجر به جنایت شود، او باید پاسخگو باشد. حتی در صورتی که اکراه‌کننده قصد جنایت نداشته باشد، مسئولیت خود را از دست نخواهد داد. این نکته، اهمیت نیت و شرایط را در فرآیند تحقق دفاع اکراه مورد تأکید قرار می‌دهد. ماده ۳۸۰ به شرایط دفاع مشروع اشاره می‌کند. اگر اکراه‌شده در تلاش برای دفاع از خود باشد و اقداماتی انجام دهد که شرایط دفاع مشروع را رعایت کند، از مجازات معاف خواهد شد. در کشور آمریکا باید توجه داشت که احراز این شرایط کار دشواری است. «درست است که «کدهای جنایی آمریکا»^۴ از بسیاری جهات پیشرفته‌ترین کدهای جهان هستند.» (Austin, 1920). با توجه به اینکه سه چهارم آنها عمدتاً بر اساس «قانون کیفری نمونه مؤسسه حقوقی آمریکا در سال ۱۹۶۲»^۵ نوشته شده اند؛ تمایل دارند «با همان دقت قانون نمونه بوده و قوانینی اصولی باشند.» (Robinson, 2014). کدهای آمریکایی، اگرچه فاقد میراث طولانی مشابه با کدهای نظام رومی ژرمنی، هستند، اما در جامعیت خود دارای مزیت هستند. بر خلاف قوانین رومی ژرمنی، آنها به کوهی از قوانین وابسته نیستند، بلکه بیشتر به دنبال ارائه مجموعه از قوانین مورد نیاز برای حل تقریباً هر موضوع کیفری هستند (Robinson, 2014). یکی از مشکلات و معضلات اصلی این است که در بین این همه کد، چگونه می‌توان فهمید که

اختیار یکی از شروط تکلیف و تحقق مسئولیت کیفری است (Ardabili, 2021)؛ یعنی کسی را می‌توان به حفظ و احترام جان، مال، عرض و ناموس مردم، مکلف ساخت که در رفتارش مختار باشد. کسی که بر اثر «اکراه»^۱ یا «اجبار»^۲ مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شده است، فاقد اختیار است و به همین دلیل به وی اجازه داده می‌شود تا در روند دادرسی کیفری بتواند به «اکراه» به عنوان «دفاع»^۳ استناد کند. «دفاع در معنای اعم؛ یعنی پاسخگویی به ادعایی که در یک دعوا مطرح شده است و پاسخگویی نزد هر مرجع قانونی، در مقابل یک ادعا را «دفاع» می‌نامند.» (Shams, 2022). دفاع در حقوق کیفری، ضمن تبعیت از این مفهوم کلی؛ معنای خاص‌تری نیز پیدا می‌کند و به منزله یک حق مهم و اساسی متهم است و «دفاع» یک «حق ضروری در دادرسی کیفری محسوب می‌گردد.» (Nazemian, 1939) «دفاعیات به مفهوم تلاش‌ها و استدلال‌هایی است که از طرف متهم و وکیل مدافع وی در دادگاه صورت گرفته و مطرح می‌شود؛ تا از اتهامی که به وی نسبت داده شده است، رهایی یابد و خلاص شود.» (Reed & Bohlander, 2016) متهم و وکیل مدافع وی از زمانی که شخص در معرض اتهام قرار می‌گیرد، اقداماتی را در حمایت از متهم، انجام می‌دهند که در مجموع دفاعیات نامیده می‌شود. در این معنا حتی سکوت متهم در مرحله تحقیقات، نیز یک نوع دفاع محسوب می‌گردد. دفاعیات در نظام حقوق کیفری آمریکا در سه گروه «عوامل موجه»؛ «معافیت‌ها» و «دفاعیات اثباتی» قرار می‌گیرند (Gardner, 2007). بررسی شرایط تحقق دفاع اکراه در دو کشور منجر به تحلیل موضع اتخاذ شده در دو کشور می‌شود که آیا این شرایط صحیح و منطبق با اصول و قواعد حقوقی و انصاف و عدالت می‌باشند یا خیر؟ در ایران شرایط تحقق دفاع اکراه در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی آمده است، هر چند در مواد ۳۷۸،

⁴ American criminal codes (ACCs)

⁵ American Law Institute's Model Penal Code of 1962 (MPC)

¹ duress

² coercion

³ defence

قانون جزا به یک قانون کیفری جامع مدرن تبدیل نشده است، شدیدتر است، زیرا این قضات گاهی اوقات وظیفه ایجاد قوانین حقوقی را بر عهده دارند (Robinson, 2009). البته «یک قاضی به تنهایی، توانایی تعیین یک کمیسیون تدوین قوانین جزایی یا مراجعه به یک دفتر تحقیقات قانونی را برای انجام تحقیقات عمده مورد نیاز برای تعیین قابل اعتماد قاعده آمریکایی و جایگزین‌های آن را ندارد» (Robinson, 2021). قوانینی که در کدهای موجود، هیچ سابقه‌ای از آنها وجود ندارد، چندان تأثیرگذار نیستند. آنچه که به عنوان شرایط تحقق دفاع اکراه در آمریکا بیان می‌شود؛ دیدگاه اکثریت در مورد دفاع «اکراه»^۳ در میان حوزه‌های قضایی آمریکا است.

چالش‌ها و ابهامات متعددی در ارتباط با شرایط پذیرش دفاع اکراه در حقوق کیفری ایران و آمریکا وجود دارد که در دو نظام حقوقی، نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری است و این مقاله در مقام بررسی آن است و به روش توصیفی و تحلیلی و مقایسه‌ای به آن می‌پردازد. بدین منظور مقاله از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول شرایط مربوط به تهدید و در قسمت دوم سایر شرایط بررسی می‌شوند.

۱. شرایط مربوط به تهدید

دفاع اکراه بر پایه شرایط تهدید متکی است. این شرایط شامل وجود تهدید قابل قبول، فوریت خطر، و ناتوانی در انتخاب بهترین گزینه‌ها است. هدف این دفاع جلوگیری از مسئولیت کیفری فرد تحت فشار است.

۱-۱. وجود تهدید قابل قبول

وجود «تهدید»^۴ از شرایط اصلی تحقق دفاع اکراه در دو نظام حقوقی ایران و آمریکاست. چنانچه تهدیدی نسبت به مکره صورت نگیرد، هیچ اکراهی به وجود نمی‌آید.

۱-۱-۱. ایران

«قاعده آمریکایی»^۱ در تحقق شرایط اکراه چیست؟ در حالی که در واقع پنجاه و دو قانون در آمریکا وجود دارد. یافتن یک قاعده به عنوان قاعده برتر و حاکم در نظام حقوقی آمریکا در بیشتر موارد [و از جمله در بحث ما یعنی شرایط تحقق دفاع اکراه] مشکل است (Williams, 1961). هر یک از پنجاه ایالت، ناحیه کلمبیا، و دولت فدرال کد جنایی خاص خود را دارند (Robinson, 1997). برخلاف تصور بسیاری از افراد در کشورهای دیگر، قانون جنایی فدرال نقش چندانی در شکل دادن و بیان قوانین جزایی آمریکا ندارد. «قانون اساسی ایالات متحده قدرت لازم به پلیس را جهت مقابله با جرایم سازمان‌یافته و پرونده‌های مواد مخدر به ایالت‌ها می‌دهد و قانون کیفری فدرال، رفتار پلیس فراتر از اختیارات داده شده را محدود می‌کند» (Robinson, 2021). در عمل تصمیمات اتخاذ شده در سطح فدرال و «قاعده آمریکایی» تأثیر قابل توجهی در مجالس ایالتی دارد و مجالس ایالتی در وضع قوانین جزایی در مورد قاعده‌ای که معمولاً توسط همتایانشان اتخاذ می‌شود، گمانه‌زنی می‌کنند، و عموماً بر اساس آنچه به عنوان «حکمت رایج»^۲ در نظر گرفته می‌شود عمل می‌کنند (Robinson, 2014). اما درک این حکمت رایج در بیشتر موارد سخت و دشوار است. در مواردی قاعده اکثریت برای درک این حکمت رایج مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای تعیین قاعده اکثریت در بین پنجاه و دو حوزه قضایی در مورد هر موضوعی و از جمله اکراه به عنوان یک دفاع مهم در حقوق کیفری، یک تحقیق بزرگ نیاز است. بنابراین، قانونگذاران ایالتی اغلب به این موضوع توجه ندارند که سایر ایالت‌ها چه کرده اند، در نهایت حدس می‌زنند که قانون اکثریت ممکن است چه باشد و یا فقط بر روی چند ایالت تمرکز می‌کنند بدون اینکه بدانند آیا این ایالت‌ها منعکس کننده یک امر مشترک هستند یا خیر؟ این دشواری برای قضات، به‌ویژه قضات در سیستم فدرال و در ایالت‌هایی که هنوز

³ Duress

⁴ threat

¹ American rule

² common wisdom

برای تحقق اکراه نیازی به اینکه تهدید صریحاً بیان شود نیست؛ «در مواردی که اوضاع و احوال به نحوی است که حکایت از تهدید دارد و یا مکره رفتاری از خود نشان می‌دهد که تهدید از آن برداشت می‌شود، باید گفت که تهدید محقق شده است.» (Najafi, 2013). وقوع تهدید قابل قبول به شرح فوق اولین شرط تحقق اکراه در امور کیفری است. قانون مدنی ایران تهدید را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحقق اکراه تعریف می‌کند. ماده ۲۰۲ تصریح می‌کند که اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که فرد را نسبت به جان، مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که تحمل آن عادی نباشد. این ماده به اهمیت شرایط فردی و اجتماعی تهدیدشونده اشاره دارد و تأکید می‌کند که سن، شخصیت و اخلاق فرد باید در نظر گرفته شود.

۱-۲. آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا «تهدید» با صراحت بیشتری به عنوان شرط اصلی تحقق دفاع اکراه آمده است، زیرا در قوانین فدرال، قانون نمونه جزایی و در قوانین ایالتی که در مقام بیان دفاع اکراه و اجبار بوده اند، شرط «تهدید» بدون استثناء آمده است و در تمامی این قوانین از واژه یکسان «thereat» که همان تهدید است؛ استفاده شده است. در آمریکا نیز صرف درخواست و دستور مکره برای ارتکاب جرم از سوی مکره، دفاع محسوب نمی‌شود و وجود عنصر «تهدید» لازم است. ضرورت وجود تهدید برای تحقق دفاع اکراه در آرای مختلفی در رویه قضایی فدرال و ایالاتی آمریکا، مورد تأکید قرار گرفته است. در دعوای معروف «دادستان کل علیه ولان»^۱ وجود تهدید برای تحقق دفاع اکراه به صراحت بیان شد و در نتیجه درخواست و دستوراتی که برای ارتکاب جرم بدون وجود هرگونه تهدیدی صورت می‌گیرد، نمی‌تواند منجر به تحقق دفاع اکراه شود (Reed & Bohlander, 2016).

علی‌رغم اینکه وجود تهدید را به عنوان اولین شرط تحقق دفاع اکراه بیان می‌کنیم؛ لیکن در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی، از کلمه «تهدید» نامی برده نشده است (Shambiyati, 2022). عدم ذکر نام تهدید می‌تواند تداعی کننده این باشد که ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان شرایط دفاع اکراه است و زمانی که از «تهدید» نامی نبرده است، ذکر «تهدید» به عنوان یکی از شرایط تحقق دفاع اکراه، هیچ ضرورتی ندارد؛ اما این استدلال صحیح نیست. باید توجه داشت که صرف درخواست مکره از مکره و یا دستور مکره به مکره را نباید به عنوان تهدید تلقی کرد. در نتیجه در مواردی که شخصی به دیگری دستور می‌دهد تا جرمی را مرتکب شود و یا از وی درخواست می‌کند تا جرمی را مرتکب شود، بدون اینکه تهدیدی همراه با درخواست و دستور وجود داشته باشد؛ تحقق اکراه منتفی است. در مواردی مکره تهدیدی نسبت به آینده انجام نمی‌دهد و همزمان با درخواست ارتکاب جرم از سوی مکره، آزار و اذیت وی را آغاز کرده و او را مورد شکنجه قرار می‌دهد؛ که در این حالت تهدید قابل قبول محقق شده است. دایره عبارات حاوی تهدید گسترده است و «عبارات حاوی تهدید می‌تواند نسبت به جان، مال یا آبروی شخص مکره یا دیگری باشد.» (Goldouzian, 2022). عبارات حاوی تهدید مکره برای ارتکاب رفتار مجرمانه جان، آبرو یا مال است. در خصوص امکان استناد به اکراه در تهدیدهای مالی در حقوق ایران بین حقوقدانان اختلاف نظر است (Shams Nateri, 2019) و با توجه به قید غیرقابل تحمل بودن، در تهدیدهای کم اهمیت نظیر تهدیدات مالی نمی‌توان به آن استناد کرد. با این حال، به نظر می‌رسد ضرر مالی نیز می‌تواند موجب تحقق اکراه شود که این مطلب مورد تصریح برخی از فقهای شیعه نیز قرار گرفته است (Najafi, 2013). تهدیدات مالی گاهی از تحمل انسان عادی خارج بوده و می‌تواند مشابه تهدید بدنی وادار کننده و مؤثر باشد.

¹ Attorney-General v Whelan [1934] IR 518

قانونی صورت می‌گیرد. این اکراه توأم با نوعی تهدید نامشروع است و به موجب آن مکره، رضایت خود را از دست می‌دهد (Hossein Abadi Rezaei & Bornazadeh, 2017). غیرقانونی بودن تهدید در هر دو نظام حقوقی از شرایط تحقق اکراه است.

۱-۲-۱. ایران

عدم مشروعیت تهدید بدین معناست که؛ آنچه مکره به آن تهدید می‌شود؛ باید در حق وی نامشروع باشد. چنانچه شخصی به قتل یا قطع عضو یا ایراد ضرب و یا حبس طولانی مدت تهدید شود؛ در صورتی می‌توان قائل به تحقق اکراه شد که مستحق اعمال مزبور نباشد. در غیر این صورت چنین شخصی را نمی‌توان مکره نامید (Mousavi Bojnourdi, 2006). از آنجا که کلمه «تهدید» به طور مستقیم در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی به کار نرفته است؛ به تبع آن صفت آن نیز که «غیرقانونی بودن» است نیز به طور مستقیم به کار نرفته است. اما می‌توان گفت که تعبیر غیرقابل تحمل در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی، بر غیرقانونی بودن دلالت دارد زیرا اگر قانونی باشد غیرقابل تحمل محسوب نمی‌شود. همچنین اگرچه قانون مدنی به طور خاص به غیرقانونی بودن تهدید اشاره نمی‌کند، اما از طریق تعریف اکراه و شرایط آن، به طور غیرمستقیم بر غیرقانونی بودن تهدید تأکید دارد و آن را به عنوان عاملی مؤثر در عدم اعتبار معاملات شناسایی می‌کند.

۱-۲-۲. آمریکا

با توجه به اینکه موضوع تهدید در اکراه در حقوق آمریکا، فقط جان اشخاص و جسم آنها می‌باشد، قلمرو تهدیدات قانونی در این کشور بسیار کم می‌شود، زیرا تهدید اشخاص نسبت به جان و جسم آنها، در بیشتر موارد غیرقانونی است. با این وجود در تمامی قوانین مصوب در آمریکا اعم از قوانین فدرال، قانون نمونه و قوانین ایالتی که در مقام بیان دفاع اکراه هستند، وصف

در مواردی که اکراه کننده از همان ابتدا تهدید را عملی کرده و همراه با آزار و اذیت مکره و شکنجه وی، ارتکاب رفتار مجرمانه را از وی می‌خواهد؛ تهدید به صورت عملی صورت گرفته است. اگر تهدید به کشتن و آسیب بدنی بر اراده مکره تأثیرگذار باشد؛ به طریق اولی شکنجه تأثیر بیشتری خواهد داشت و شکنجه به معنای تهدید عملی شده می‌باشد. از حیث متعلق، تهدید باید نسبت به «جان» و یا «جسم» مکره صورت گرفته باشد، تا دفاع اکراه در دسترس متهم باشد. در بخش ۲/۰۹ قانون نمونه جزای آمریکا به صراحت آمده است که تهدید باید نسبت به جان صورت گرفته باشد و یا اینکه تهدید به وارد نمودن آسیب بدنی باشد. در مورد تهدید به «جان» از عبارت تهدید به «مرگ»^۱ در این ماده استفاده شده است و بدین معناست که مکره به مرگ تهدید شده باشد. در مورد آسیب بدنی نیز از عبارت «آسیب بدنی شدید»^۲ استفاده کرده است. از آنجا که تهدید به اموال در آمریکا موجب تحقق دفاع اکراه نمی‌شود؛ برخی معتقدند که موضوع تهدید برای تحقق دفاع اکراه باید از نوع «تهدید کیفری»^۳ باشد تا دفاع اکراه قابل استناد باشد (Dsouza, 2017). از نظر شکل تهدید می‌توان به صورت (نوشته، شفاهی؛ الکترونیکی و حتی از طریق شخص ثالث)^۴ باشد. در مواردی تهدید به صورت مستقیم وجود ندارد، لیکن اوضاع و احوال قضیه حاکی از وجود تهدید و ترس از تهدید می‌باشد. در مواردی نیز این ترس درونی است و «خودساخته توسط شخص مکره می‌باشد». (Mir Mohammad Sadeghi, 2021). تشخیص اوضاع و احوال حاکی از تهدید با دادگاه است و رویه‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد.

۱-۲. غیرقانونی بودن تهدید

تهدید شرط اصلی تحقق اکراه است، لیکن هر تهدیدی نمی‌تواند منجر به دفاع اکراه شود. اکراه غیرقانونی؛ اکراهی است که از جانب فرد یا افرادی نسبت به فرد یا افراد دیگر بدون وجود یک حق

³ Criminal Threat

⁴ written, verbal, electronically, or through a third person

¹ death

² severe bodily injury

به طرق دیگر برای فرار از ارتکاب جرم تفسیر و تحلیل کرد و در نتیجه در تهدیدات آتی که این فرصت برای مکره وجود دارد تا به طریقی جرم را مرتکب نشود، فعلیت تهدید شرط است. در قانون مدنی فعلیت تهدید در اکراه به معنای وجود تهدید واقعی و مؤثر است که شخص را وادار به انجام عمل یا معامله‌ای کند که در شرایط عادی انجام نمی‌دهد.

۱-۳-۲. آمریکا

قانون جزایی فدرال آمریکا به صراحت از قریب‌الوقوع^۵ بودن تهدید صحبت کرده است. حداقل سی و نه حوزه قضایی دارای قواعدی هستند که بر اساس آنها، تهدید باید قریب‌الوقوع باشد و آسیبی که کنش‌گر نسبت به آن تهدید می‌شود؛ یک پاسخ نزدیک باشد و دور نباشد و به عبارت ساده، قریب‌الوقوع باشد.^۶ از بین این سی و نه حوزه قضایی، بیست و شش حوزه قضایی به طور صریح از اصطلاح «قریب‌الوقوع» به تنهایی یا همراه با اصطلاحات دیگر استفاده می‌کنند.^۷ برخی از حوزه‌های قضایی بیش از یک اصطلاح را به کار می‌برند که بر چنین قابلیت مبادله‌ای تأکید می‌کند.^۸ سایر حوزه‌های قضایی (سیزده حوزه قضایی) به صراحت به رابطه زمانی بین رفتار مجرمانه و تهدید غیرقانونی که آن را وادار می‌کند، توجه ندارند. در پرونده ایالات متحده علیه تامپسون در سال ۱۹۲۰،^۹ اینگونه حکم داده شد که اگر متهم فرصت معقولی برای اجتناب از ارتکاب عمل داشته باشد، استناد به دفاع اکراه ممکن نیست. موضوع فوری بودن تهدید در رویه قضایی در

«غیرقانونی»^۱ همراه با «تهدید» آمده است. بیست و نه حوزه قضایی که اکثریت را تشکیل می‌دهند بر روی «جدی بودن تهدید» تأکید دارند. سیزده حوزه قضایی فرمول ملایم‌تری را اتخاذ کرده اند که در آن دفاع مبتنی بر اکراه، زمانی در دسترس است که یک مرتکب به هر طریقی، در معرض اکراه ناشی از «نیروی غیرقانونی»^۲ قرار می‌گیرد.^۳ دفاع اکراه در برخی از حوزه‌های قضایی به صورت صریح و در برخی دیگر به طور ضمنی پذیرفته شده است (Robinson, 2021).

۱-۳-۳. فعلیت داشتن تهدید

تهدید از نظر زمانی ممکن است حال و مربوط به زمان تهدید باشد و ممکن است که تهدید مربوط به آینده باشد. یک اصل کلی وجود دارد که برای تحقق دفاع اکراه، تهدید باید فعلیت داشته باشد و مربوط به زمان حال (منظور از زمان حال زمان خود تهدید است) باشد.

۱-۳-۱. ایران

در حقوق ایران با توجه به اینکه به فوری یا قریب‌الوقوع بودن خطر در هیچ یک از قوانین تصریح نشده است و اینکه امکان تحقق خطر در آینده نیز می‌تواند غیرقابل تحمل و غیرقابل اجتناب باشد؛ نمی‌توان آنها را شرط تحقق اکراه دانست؛ به عبارتی اگر امکان عملی شدن تهدید طبق بیان مکره یا حسب شرایط مدتی بعد وجود داشته باشد، برای استناد به اکراه کافی است.^۴

به نظر نگارنده و با توجه به سکوت قانون در مورد شرط فعلیت تهدید در تحقق اکراه، باید فعلیت را از جهت امکان توسل مکره

کارولینای شمالی، داکوتای شمالی، اوکلاهما، کارولینای جنوبی، تنسی، تگزاس، یوتا ویرجینیای غربی، ویسکانسین و وایومینگ.

^۷ آریزونا، ناحیه کلمبیا، آیداهو، لوئیزیانا، ماساچوست، مینه سوتا، نبراسکا، نیومکزیکو، رود آیلند، ورمونت، ویرجینیا و واشنگتن.

^۸ فلوریدا، مریلند، ماساچوست، میشیگان، می‌سی‌سی‌پی، کارولینای جنوبی، تنسی، ویرجینیای غربی و وایومینگ.

^۹ *United States v. Thompson*, 63 M.J. 228

^۱ unlawful

^۲ unlawful force

^۳ آلاسکا، آرکانزاس، کلرادو، دلاور، هاوایی، کنتاکی، میسوری، نیوجرسی، نیویورک، اورگان، پنسیلوانیا، داکوتای جنوبی و یوتا.

^۴ سیدمحمدعلی منجمی. شرط تناسب در اکراه رافع مسئولیت کیفری (تهران: سخنوران، ۱۳۶۶)، ۵۶.

^۵ imminent

^۶ آلاباما، کانکتیکات، فلوریدا، جورجیا، ایلینوی، ایندیانا، آیووا، کانزاس، مین، مریلند، میشیگان، می‌سی‌سی‌پی، میسوری، مونتانا، نیوهمپشایر، نیویورک،

آمریکا یک موضوع چالشی است که منجر به طرح پرونده‌های متعددی گردیده است (Tamblyn, 2018).

۴-۱. قابلیت عملی شدن تهدید

قابلیت عملی شدن تهدید در دفاع اکراه به این معناست که تهدید باید واقعی و قابل اجرا باشد تا فرد تحت فشار احساس کند که هیچ گزینه دیگری وجود ندارد. این قابلیت زمانی برقرار است که تهدیدکننده توانایی اجرای تهدید را داشته باشد و فرد قربانی نتواند از آن فرار کند.

۱-۴-۱. ایران

قانون مجازات اسلامی به احتمال عملی شدن تهدید اشاره‌ای نکرده است، اما یکی از شرایطی که در برخی از کتب فقهی برای اکراه ذکر شده است؛ غلبه ظن در اکراه شونده نسبت به عملی ساختن تهدید در صورت امتناع مکره از انجام رفتار تقاضا شده می‌باشد. قابلیت عملی شدن تهدید در دفاع اکراه به این مفهوم است که تهدید باید واقعی و قابل اجرا باشد تا فرد تحت فشاری معقول احساس کند که هیچ گزینه دیگری برای فرار از این وضعیت ندارد. این امر به ویژه در صورتی مصداق دارد که تهدیدکننده، توانایی لازم برای اجرای تهدید را دارا باشد و شخص قربانی، امکان اجتناب از آن را نداشته باشد. از آنجا که شخص تهدیدشونده در شرایطی نیست که ارزیابی لازم را از تهدید انجام دهد، باید گفت که صرف خوف برای صدق اکراه کافی است و وجود ظن ضروری نیست و این موضوع، مورد تصریح برخی از فقها نیز قرار دارد (Mousavi Khomeini, 1994).

اثرگذاری تهدید تا حدود زیادی به شخص مکره بستگی دارد. تأثیر یک تهدید بر اشخاص مختلف، یکسان نیست و متفاوت است. از طرف دیگر اثرگذاری تهدید به مکره هم بستگی دارد. در اولین برداشت از تهدید صورت گرفته، باید بررسی شود که آیا مکره توانایی عملی کردن تهدید مورد نظر را دارد یا خیر؟ اگر مکره

متوجه شود که مکره توانایی عملی کردن تهدید را ندارد، نباید به استناد تهدید صورت گرفته، مرتکب جرم شود. در حقوق ایران همین که خطر متوجه یکی از نزدیکان فرد باشد کافی است؛ چرا که صدمه و آسیب به آنها نیز می‌تواند در فرد مؤثر و «غیرقابل تحمل» بوده و حتی گاهی تأثیر آن بیشتر از زمانی است که خطر نسبت به خود فرد وجود داشته باشد.

مطابق ماده ۲۰۵ قانون مدنی، قابلیت عملی شدن تهدید در اکراه به این معناست که تهدید باید واقعی و مؤثر باشد و شخص را به گونه‌ای تحت فشار قرار دهد که در غیر این صورت اقدام به معامله نمی‌کرد. اگر تهدید به مرحله اجرا نرسد یا شخص بتواند از آن رهایی یابد، اکراه وجود ندارد.

۱-۴-۲. آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا نیز «قابلیت عملی تهدید» از شرایط تحقق اکراه است. چنانچه تهدید صورت گرفته عملی نباشد و اثری به همراه نداشته باشد، موجبی برای ارتکاب جرم نخواهد بود. با این وجود در هیچ یک از قوانین فدرال یا ایالتی در آمریکا به موضوع احتمال عملی شدن تهدید، اشاره نشده است؛ لیکن در رویه قضایی و در پرونده‌های متعددی که به دفاع اکراه استناد شده است، به این موضوع اشاره شده است که اگر تهدید صورت گرفته، عقلاً یا بر اساس اوضاع و احوال، احتمال عملی شدن را نداشته باشد؛ دفاع اکراه در دسترس متهم نخواهد بود.

در قانون جزایی فدرال آمریکا از عبارت «باور معقول»^۱ استفاده شده است که این باور معقول باید نسبت به اثر اکراه باشد. یعنی احتمال دارد که تهدید منجر به مرگ قریب‌الوقوع^۲ یا صدمه شدید بدنی به خود یا دیگری شود. مکره باید به مؤثر بودن تهدید «باور معقول» داشته باشد. مرتکب باید «باور معقول» داشته باشد که ارتکاب عمل توسط وی در آن شرایط لازم بوده است. شرط «باور معقول» به احتمال عملی شدن تهدید، در بیشتر حوزه‌های قضایی

² imminent death

¹ reasonable belief

اعمال حقوقی است، به صراحت در ماده ۲۰۴ تهدید دیگران را نیز موجب تحقق اکراه دانسته است.

۱-۵-۲. آمریکا

در آمریکا تهدید می‌تواند نسبت به «خود» یا «دیگری» باشد و از نظر قانون جزایی فدرال، بدون تردید تهدید اشخاص دیگر نیز ممکن است منجر به دفاع اکراه شود. در آمریکا، حداقل بیست و هفت حوزه قضایی از نوعی دفاع مبتنی بر اکراه، برای تهدیدهای صورت گرفته نسبت به اشخاص ثالث، استفاده می‌کنند.^۱ بیست و چهار حوزه قضایی در صورتی که تهدید علیه شخص ثالثی صورت گیرد، مراجع قضایی اجازه دفاع مبتنی بر اکراه را می‌دهند. اکثریت حوزه‌های قضایی از دفاع برای هر شخص ثالث پشتیبانی می‌کنند؛ (Robinson, 2021). در هیچ یک از مقررات موجود در حوزه‌های قضایی آمریکا، لزومی بر ارتباط نسبی و یا سببی بین مرتکب و شخص تهدید شده وجود ندارد و این شخص ثالث می‌تواند هر شخصی باشد.

۲. سایر شرایط تحقق دفاع اکراه

به غیر از شرایطی که به تهدید مربوط است، برای تحقق دفاع اکراه شرایط دیگری نیز وجود دارد که شامل غیرقابل تحمل بودن اکراه و قرار گرفتن جرم ارتكابی در قلمرو دفاع اکراه می‌باشند.

۲-۱. غیرقابل تحمل بودن اکراه

غیرقابل تحمل بودن اکراه به عنوان یکی از شروط تحقق دفاع اکراه، به شرایطی اشاره دارد که فرد تحت فشار یا تهدید قرار می‌گیرد و عواقب ناشی از اقدام نکردن او به قدری شدید و شدیدالثر است که قابل تحمل نیست. این وضعیت باید به گونه‌ای باشد که فرد به لحاظ روحی یا جسمی احساس کند تنها گزینه‌ای که در برابرش قرار دارد، انجام عمل مورد نظر تحت تأثیر اکراه است.

مطرح است. در سایر حوزه‌های قضایی (۲۵ حوزه) هیچ الزامی وجود ندارد که مرتکب به این باور معقول رسیده باشد که در صورت عدم ارتکاب جرم به واسطه اکراه، خودش یا دیگری آسیب می‌بیند (Robinson, 2021). در این حوزه‌های قضایی، صرف تهدید با سایر شرایط کفایت می‌کند و اثبات دفاع اکراه، آسان‌تر می‌شود. در احتمال عملی شدن تهدید باید به نقش مکره هم توجه شود. در نظام حقوقی آمریکا از دو جهت به این موضوع توجه می‌شود. اول اینکه باید توانایی‌های فردی مکره در عملیاتی کردن تهدید توسط مکره مورد ارزیابی قرار گیرد و اگر به «باور معقول» مکره، اکراه کننده نمی‌تواند تهدید خود را عملی کند، ارتکاب جرم از سوی وی فاقد هرگونه توجیهی است. دوم آنکه اکراه در برخی موارد از سوی خود مجنی علیه است و شخص مکره همان شخص مجنی علیه است که تحلیل نقش وی در جرم ارتكابی اهمیت خاصی می‌یابد. در قوانین فدرال و ایالتی آمریکا، در این خصوص هیچ متن قانونی مصوبی وجود ندارد؛ لیکن در رویه قضایی مواردی وجود دارد که به دفاع اکراه در حالت اکراه از سوی مجنی علیه پرداخته شده است.

۱-۵-۵. تهدید نسبت به خود و دیگری

جامعیت دفاع اکراه از حیث اشخاصی که تهدید شده اند، مستلزم آن است که این دفاع هم در زمان تهدید خود شخص متهم و هم در زمان تهدید اشخاص دیگر، غیر از متهم در دسترس شخص مکره باشد.

۱-۵-۱. ایران

در نظام حقوقی ایران ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی، این موضوع را به سکوت گذاشته است و حکمی در این خصوص بیان نکرده است، اما قانون مدنی که مرتبط با تعریف اکراه و آثار آن در

^۱ پنسیلوانیا، داکوتای جنوبی، تنسی، نگزاس، یوتا، ویرجینیا، واشنگتن، و ویسکانسین

^۱ آلاباما، آلاسکا، آریزونا، آرکانزاس، کلرادو، کنتیکت، دلاور، هاوایی، ایندیانا، کنتاکی، مین، میسوری، نیوجرسی، نیویورک، داکوتای شمالی، اورگان،

۲-۱-۱. ایران

در حقوق ایران تنها قید اکراه در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی «غیرقابل تحمل بودن» است که به ضابطه تشخیص آن، بر خلاف ماده ۲۰۲ قانون مدنی، اشاره نشده است؛ در ماده اخیرالذکر استفاده از عبارت «شخص با شعوری» نشانگر استفاده از ضابطه نوعی در تشخیص مؤثر بودن اکراه است؛ اما در مقابل جمله انتهایی ماده، با اشاره به لزوم در نظر گرفتن برخی از ویژگی‌های تهدید شونده ضابطه شخصی را برگزیده است و به اعتقاد برخی ترکیبی ناموزون و ناسازگار از دو ضابطه نوعی و شخصی ایجاد شده است (Katouzian, 2014). ملاک سنجش باید، شخصی باشد و از عواملی همچون سن، جنس، شخصیت و ... مرتکب تبعیت نماید (Gholami, 2012).

با توجه به نقش داشتن ویژگی افراد در شدت خطر، در بحث تناسب به ویژگی‌ها و شرایطی که در شدت آسیب نقش دارند نظیر حیثیت و وضعیت جسمانی و مالی افراد توجه خواهد شد (Fazel Lankarani, 2000). در ایران احراز «اکراه غیرقابل تحمل» مستلزم بررسی توأم دو دسته از معیارهای شخصی و نوعی است که از یک طرف باید تمامی اوصاف و ویژگی‌های شخصی مکره و مکره را در نظر گرفت و در کنار آن باید معیارهای نوعی را مدنظر قرار داد و سپس به صورت «موضوعی» و در هر پرونده در مورد قابلیت تحمل اکراه اظهار نظر کرد و هیچ حکم کلی و عمومی در این خصوص نمی‌توان داد.

ماده ۲۰۲ قانون مدنی تأکید می‌کند که اکراه باید به گونه‌ای باشد که شخص را نسبت به جان، مال یا آبروی خود تهدید کند و این تهدید به حدی باشد که برای او غیرقابل تحمل باشد. در این راستا، قانون دو معیار نوعی و شخصی را در نظر می‌گیرد: معیار نوعی به شدت و نوع تهدید اشاره دارد که باید به حدی باشد که برای یک فرد عاقل و بالغ غیرقابل تحمل باشد، در حالی که معیار شخصی به ویژگی‌های فردی مانند سن، شخصیت، اخلاق و جنسیت

شخص مکره توجه می‌کند. این دو معیار به قاضی کمک می‌کند تا تشخیص دهد آیا اکراه به حدی بوده که فرد را مجبور به انجام عمل کند یا خیر.

۲-۱-۲. آمریکا

در قوانین فدرال و ایالتی آمریکا از شرط «غیرقابل تحمل» بودن اکراه به طور مستقیم نامی برده نشده است. با این وجود، این شرط ریشه در قواعد کامن‌لا دارد. در حقوق کامن‌لا، برای اینکه دفاع از اکراه معتبر باشد، باید نشان داده شود که اکراه تأثیری واقعی بر رفتار فرد تهدید شده داشته است. به عبارتی، اگر شخص به انجام عمل مجرمانه تمایل داشته باشد و اکراه نتواند اراده او را تغییر دهد، حق استفاده از این دفاع را نخواهد داشت. در این حالت، رفتار او «غیرداوطلبانه» به حساب نمی‌آید. در صورتی که فرد نسبت به ارتکاب جرم راغب باشد و اکراه تأثیری بر اراده او نداشته باشد، سزاوار استفاده از دفاع اکراه نخواهد بود (Herring, 2012). در بیشتر حوزه‌های قضایی در آمریکا یک معیار متعارف و نوعی برای قابلیت تحمل پیش بینی شده است که اگر یک شخص معقول و متعارف با توانایی‌های معمول در همان وضعیت قرار می‌گرفت؛ آیا مرتکب جرم می‌شد یا خیر؟ این معیار به دادگاه کمک می‌کند تا در صورت طرح دفاع اکراه بتواند قابلیت تحمل مکره را در همان وضعیت مورد ارزیابی قرار دهد. به طور کلی تشخیص توانایی‌های یک متهم در زمان اکراه و اجبار سخت و دشوار است (Pollock, 2012)؛ تشخیص توانایی‌های یک متهم در زمان اکراه به دلیل پیچیدگی‌های روانی و عاطفی ناشی از شرایط فشار، کار دشواری است. واکنش افراد به تهدیدات تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله شدت تهدید، محیط اجتماعی و تجربیات گذشته آن‌ها قرار دارد. همچنین، وجود محدودیت‌ها برای اثبات وضعیت اکراه، روند ارزیابی واقعی افراد را سخت‌تر می‌کند و این موارد موجب می‌شود تا قضاوت در مورد اینکه آیا فرد واقعاً تحت تأثیر اکراه بوده یا خیر، چالش‌برانگیز باشد.

می‌توان به طریق دیگری مجازات متفاوتی را برای شخص مکره در نظر گرفت.

۲-۲-۲. آمریکا

قلمرو جرایم مشمول دفاع اکراه در آمریکا از دو جهت بسیار خاص است. از یک طرف در برخی از حوزه‌های قضایی در آمریکا، دفاع اکراه یک دفاع عام است و در تمامی جرایم قابلیت استناد دارد، در حالیکه در بیشتر حوزه‌های قضایی یک دفاع خاص است که در برخی از جرایم قابلیت استناد ندارد. از طرف دیگر استثنائات جرایم مشمول دفاع اکراه در حوزه‌های قضایی یکسان و مشابه نیست. در بیشتر حوزه‌های قضایی فقط جرم قتل از قلمرو دفاع اکراه مستثنی شده است؛ در حالیکه در برخی از حوزه‌های قضایی دیگر، جرایم دیگری مانند برخی از جرایم جنسی و آسیب بدنی شدید نیز از قلمرو دفاع اکراه مستثنی شده‌اند و در این جرایم نیز دفاع اکراه قابلیت استناد ندارد (Robinson, 2021).

اکراه به طور کلی به عنوان یک دفاع از نوع معاذیر، درک می‌شود. زمانی که شخصی به مرگ یا آسیب بدنی تهدید می‌شود، سوال این است که از نظر اخلاقی باید مرتکب جرم شود و یا اینکه خودش آسیب را متحمل شود (Green, 2024). حکم قانون در ایران و بیشتر حوزه‌های قضایی آمریکا برای مستثنی کردن دفاع اکراه در جرم قتل به ملاحظات دیگر (غیر از بازدارندگی) بستگی دارد. یکی از استدلال‌هایی که علیه استثنای قتل در تفسیر «قانون نمونه جزایی» در آمریکا ارائه شده است، این است که مستثنی کردن قتل از دفاع اکراه عملی «ریاکارانه»^۱ است، زیرا اگر قانونگذاران و قضات در همان موقعیت متهم قرار گیرند، به احتمال زیاد مرتکب قتل می‌شوند و خودشان هم نمی‌توانند در مقابل چنین فشاری تحمل کنند؛ پس چرا توقع دارند که متهم در مقابل چنین فشاری تحمل کرده و مرتکب جرم نگردد. عملی که برخلاف انتظار عمومی جامعه است و شخص در عین ادعای انجام عمل،

۲-۲. قرار گرفتن جرم ارتكابی در قلمرو دفاع اکراه

دفاع اکراه در بیشتر جرایم قابلیت استناد دارد و جرایم معدودی وجود دارد که دفاع اکراه در آنها قابلیت استناد را ندارد. به همین دلیل باید در همان ابتدا بررسی کرد که آیا جرم ارتكابی در قلمرو این دفاع قرار می‌گیرد یا خیر.

۲-۲-۱. ایران

در حقوق کیفری ایران، قتل عمد به عنوان یکی از جرایم شدید شناخته می‌شود و در نتیجه، دفاع اکراه در مورد قتل به طور کلی پذیرفته نمی‌شود. عدم پذیرش دفاع اکراه در جرم قتل عمد در ایران، ریشه در فقه امامیه دارد (Amiri, 2024). مبنای عدم رفع مسئولیت کیفری از اکراه شونده در حالت اکراه به قتل، قاعده ترجیح بلامرجح و اصل تساوی جان انسان‌ها می‌باشد. دلایل عدم پذیرش دفاع اکراه در قتل در ایران را باید در منابع فقهی جستجو کرد (Sayyadi, 2024). دیدگاه فقهای امامیه درباره جواز یا عدم جواز قتل در باب اکراه در قتل یکسان نیست، ولی نظر مشهور فقهای امامیه و به تبع آن قانون مجازات اسلام ۱۳۹۲ نیز علی‌الاصول بر عدم جواز قتل در حالت اکراه به قتل می‌باشد.

فقهای امامیه با توجه به دلایلی نظیر لاتقیه فی الدم و روایاتی، که مهمترین آن زراره است، دفاع اکراه را در قتل نمی‌پذیرند (Samimi, 2015). در اکراه در قتل، انتساب جرم به مکره به عنوان عامل اصلی را می‌توان مطرح کرد که انتساب عرفی جنایت به مکره مطرح است و می‌توان قتل را به دلیل عدوانی نبودن از سوی اکراه شونده، به اکراه کننده مستند و او را قابل قصاص دانست؛ به عبارتی چنانچه اکراه شونده فاقد مسئولیت و قصاص متوجه اکراه کننده دانسته شود حکمی خلاف عقل، منطق و شرع نخواهد بود (Ghodsi, 2015)؛ حتی اگر نتوان قتل را به مکره نسبت داد و به دلیل مباشر نبودن مکره، این رابطه استنادی برقرار نشود (که البته این رابطه مثل سایر جرایم دیگر برقرار است)

¹ hypocritical

۱-۳-۲. ایران

اینکه فرد خود را عمداً و آگاهانه در شرایطی قرار دهد که احتمال وقوع تهدید از سوی دیگری وجود داشته باشد؛ یکی از موانع استفاده از دفاع اکراه است. فرض کنید فردی به نام «الف» برای دریافت پول، به طور عمدی با یک گروه بزهکار دوست می‌شود و به آن‌ها نزدیک می‌شود. او می‌داند که این گروه در فعالیت‌های غیرقانونی مانند سرقت یا قاچاق مواد مخدر مشغول هستند. روزی، این گروه به «الف» پیشنهاد می‌دهند که برای آن‌ها نقش یک راننده را ایفا کند و به طور غیرقانونی کالایی را حمل کند. اگر «الف» در این موقعیت تهدید شود که در صورت عدم همکاری، مورد آسیب قرار خواهد گرفت، می‌تواند استدلال کند که در شرایط اکراه قرار گرفته است. با این حال، اگر بررسی کنیم که «الف» خود را عمداً در شرایط خطرناک و غیرقانونی قرار داده، می‌توان نتیجه گرفت که نمی‌تواند از دفاع اکراه برای توجیه عمل خود (مثلاً حمل مواد مخدر) استفاده کند. زیرا او با آگاهی از خطرات و وضعیت غیرقانونی، به طور عمدی به این گروه نزدیک شده و خود را در معرض این فشار قرار داده است. در اینجا، عمل «الف» به طور مستقیم به تصمیم خود او برای ورود به این وضعیت بستگی دارد و به همین دلیل نمی‌تواند مدعی باشد که تحت اکراه بوده است. البته قانونگذار ایران به لزوم چنین شرطی اشاره نکرده است؛ اما سکوت قانونگذار به معنای شرط نبودن آن نیست. اگرچه قانونگذار به طور صریح به این موضوع اشاره نکرده، اما می‌توان از اصول کلی حقوقی از جمله اصل عدم سوء استفاده از حق و لزوم تناسب بین عمل و دفاع استدلال کرد که فردی که خود را عمداً در معرض خطر قرار می‌دهد، حق دفاع از اکراه را نخواهد داشت. همچنین، قرائن موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که قانونگذار به شرایط خاص هر پرونده توجه دارد و این سکوت به معنای عدم شرط بودن آن نیست. به این ترتیب، قرار دادن خود در معرض خطر می‌تواند مانع استفاده از دفاع اکراه باشد.

به صورت دیگری رفتار می‌کند، ریاکارانه خواهد بود (Isserow & Klein, 2017). استدلال دیگری که به نفع استثناء قتل از قلمرو دفاع اکراه، ارائه شده است، «بر اساس قداست خاصی است که قانون برای زندگی انسان قائل است و از یک فرد حق گرفتن یک زندگی شخص بی‌گناه را نیز سلب می‌کند حتی اگر به قیمت جان خود یا دیگری تمام شود». این اصل که «اکراه به عنوان دفاع از قتل پذیرفته نمی‌شود»، همان حرمت خون انسان است (Westen & Mangiafico, 2003).

در حقوق کیفری آمریکا، دفاع اکراه در جرایم خاصی مانند آدم‌ربایی، جرایم مربوط به تجاوز و جرایم مرتبط با سلاح و مواد مخدر در برخی از ایالات پذیرفته نمی‌شود. به عنوان نمونه، در ایالاتی مانند نیویورک و کالیفرنیا، اکراه در مورد آدم‌ربایی قابل استفاده نیست؛ زیرا این عمل به دیگران آسیب می‌زند. همچنین، در ایالاتی همچون فلوریدا و میشیگان، افراد نمی‌توانند به دلیل اکراه به ارتکاب جرایم جنسی متوسل شوند. علاوه بر این، در ایالات تگزاس و آریزونا، استفاده از اکراه در جرایم مربوط به حمل سلاح غیرمجاز یا قاچاق مواد مخدر نیز پذیرفته نمی‌شود، چرا که این اعمال نه تنها مجرمانه هستند بلکه به عنوان تهدیدی برای جامعه محسوب می‌شوند (LaFave & Polinsky, 2015). البته در سال‌های اخیر نظام حقوق کیفری آمریکا، به دنبال توسعه قلمرو دفاع اکراه است. دلایل متعددی برای این ادعا وجود دارد که مهم‌ترین آن، قانون نمونه جزایی است که دفاع اکراه را از یک دفاع خاص به یک دفاع عام تبدیل کرده است.

۳-۲. عدم ارتکاب تقصیر از سوی مکره

مطابق یک قانون نوشته قاعده «دست‌های پاک» بر دفاع اکراه حاکم است. مکره‌ای که به نحوی دارای تقصیر در ایجاد حادثه و واقعه باشد، به دلیل نداشتن «دست‌های پاک» مستحق برخورداری از دفاع اکراه نیست؛ هرچند که بدون تردید در زمان ارتکاب جرم، اراده وی به نحوی مختل بوده است.

ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت به این شرط اشاره کرده است. منظور از ارتکاب جرم در این ماده، ارتکاب خودخواسته جرم توسط مکره نیست و ارتکاب چنین رفتاری که جرم تلقی می‌شود؛ باید خواسته شخص مکره به واسطه اکراه باشد. در نتیجه چنانچه تهدیدی از سوی مکره صورت گیرد؛ بدون اینکه درخواست ارتکاب جرمی از سوی وی وجود داشته باشد و مکره بنا بر تصورات خود مرتکب جرمی شود، دفاع اکراه در دسترس وی نخواهد بود.

در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی، شرط خاصی برای ارتکاب جرم توسط مکره ذکر نشده است. از این رو به نظر می‌رسد در حقوق کیفری ایران در زمینه تشخیص غیرقابل تحمل بودن اکراه شرایط شخصی مکره از جمله سن، جنسیت، شرایط و اوضاع و احوال، زمان، مکان و... را مورد توجه قرار داده است. به این مفهوم که توانایی‌های شخص مکره در تشخیص غیر قابل تحمل بودن اکراه نقش موثری دارد و همچنین شرایط و اوضاع و احوال اکراه کننده می‌تواند در موضوع اکراه تاثیر داشته باشد. مشکل اصلی در خصوص شیوه تعیین تناسب است. در مرحله تحقق اکراه و درخواست انجام عمل مجرمانه تشخیص این تناسب با مکره است و در مرحله طرح دعوا در محکمه با قاضی پرونده می‌باشد. اوضاع و احوال حاکم بر قضیه، نوع جرم درخواست شده، نوع تهدید، زمان، مکان، شرایط جسمی و سنی که مجموعاً بر ذهن و روان مکره، تاثیر می‌گذارند در احراز تناسب تأثیرگذار هستند.

۲-۴-۲. آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا نیز هم به ضرورت درخواست ارتکاب جرم از سوی مکره و هم به لزوم رعایت تناسب در ارتکاب جرم توسط مکره به عنوان شرایط تحقق دفاع اکراه، توجه شده است.

به همین دلیل برخی معتقدند که با توجه به قرائنی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان قائل به این شرط بود (Mohaghegh Damad, 2023). حتی زوال کامل اراده که ناشی از اقدام اختیاری و آگاهانه فرد باشد؛ موجب معافیت از مجازات نیست؛ به طریق اولی اکراه کننده که در ارتکاب رفتار به طور کامل فاقد قصد نیست در حالتی که عمداً یا با آگاهی خود را در معرض خطر قرار دهد، استفاده از اکراه توسط او ممکن نخواهد بود.

۲-۳-۲. آمریکا

اکثریت حوزه‌های قضایی آمریکا که شامل حداقل بیست و هفت حوزه قضایی می‌شوند، بر این اعتقاد هستند که اگر مرتکب خود را در شرایطی قرار دهد که منجر به اکراه وی شود و به عبارت دیگر در ایجاد شرایط تقصیر داشته باشد، حق استناد به این دفاع را ندارد و از این دفاع منع می‌شود.^۱ با این حال، تفاوت‌هایی بین حوزه‌های قضایی آمریکا وجود دارد. تعاریف اعمال یا ترک فعل‌های «غیر ارادی» و «ارادی»؛ در تمامی حوزه‌های قضایی یکسان نیست و اختلالات خاصی که منجر به این دفاع می‌شود، در حوزه‌های قضایی متفاوت هستند (Robinson, 2021).

۲-۴-۲. شرایط مرتبط با نوع پاسخ

در اکراه علاوه بر شرط بودن تهدید و خطر، لازم است عملی کردن آن منوط به انجام جرمی شده باشد؛ در صورتی که تنها خطر وجود داشته باشد و ارتکاب جرم از شخص خواسته نشود، موضوع دفاع اکراه منتفی است..

۲-۴-۱. ایران

دو شرط مهم ضرورت درخواست ارتکاب جرم از سوی مکره و رعایت تناسب در جرم ارتكابی توسط مکره به عنوان شرایط دفاع اکراه مرتبط با پاسخ به تهدید مطرح هستند.

^۱ نیوجرسی، نیویورک، داکوتای شمالی، اورگان، پنسیلوانیا، تنسی، تگزاس، یوتا، واشنگتن، ویرجینیای غربی و فدرال

^۱ آلاباما، آلاسکا، آریزونا، آرکانزاس، کلرادو، کانکتیکات، دلاور، فلوریدا، هاوایی، آیداهو، ایندیانا، کانزاس، کنتاکی، مین، میشیگان، می‌سی‌سی‌پی، میسوری،

قانون جزایی آمریکا صحبت از «درگیر رفتار ممنوع شده»^۱ می‌کند و در آمریکا نیز باید مکره از متهم ارتکاب یک رفتار مجرمانه را خواسته باشد و اگر متهم بدون درخواست مکره، مرتکب جرمی گردد، دفاع اکراه در دسترسی وی نخواهد بود.

در قوانین سایر حوزه‌های قضایی نیز از عبارات مختلفی برای بیان این رفتار ممنوعه استفاده شده است و در بیشتر حوزه‌های قضایی ایالاتی از ارتکاب جرم نام برده شده است.

در حقوق آمریکا این تناسب به صراحت جزء شرایط اکراه ذکر نشده است؛ با این وجود رویه قضایی آمریکا به دنبال برقراری این تناسب بوده است. موضوع تناسب بین تهدید و جرم ارتكابی از مسائلی است که در تمامی پرونده‌هایی که به دفاع اکراه استناد می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. عدم رعایت تناسب از سوی متهم در ارتکاب جرم، حتی بر روی «پاکدستی» وی نیز اثرگذار است. متهمی که با علم به عدم ضرورت در ارتکاب جرم ناشی از اکراه زیادی روی کرده است و تناسب را رعایت نکرده است، پاکدست تلقی نمی‌گردد. به عنوان نمونه در پرونده ایالات متحده علیه واشنگتن^۲، در سال ۲۰۰۲ به این موضوع توجه شد که جرم ارتكابی باید از شدت کمتری نسبت به آسیب تهدید شده باشد.

نتیجه‌گیری

مقایسه شرایط استفاده از دفاع اکراه در نظام‌های حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا، نشان‌دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌های قابل توجهی است. در هر دو کشور، وجود یک تهدید جدی و

existence of free will and autonomous choice, such that the individual may fairly be held accountable for unlawful conduct (Ardabili, 2021). Where this autonomy is destroyed through coercion, the legitimacy of punishment is fundamentally called into question. In both Iranian and American criminal jurisprudence, duress operates as a mechanism for reconciling the principle of culpability with the realities of human

معتبر برای اعمال دفاع اکراه ضروری است. با این حال، نوع و توصیف این تهدید ممکن است در ایالت‌های مختلف آمریکا متفاوت باشد. در هر دو نظام، تهدید باید غیرقانونی باشد و در زمان ارتکاب جرم، به طور بالفعل وجود داشته باشد؛ اما در برخی ایالت‌های آمریکا، تهدیدات گذشته ممکن است قابل اعتبار باشند. علاوه بر این، اثرگذاری تهدید باید به حدی باشد که متهم را وادار به ارتکاب جرم کند، و این اثرگذاری ممکن است به عوامل روانی و شرایط محیطی بستگی داشته باشد. در ایران، اکراه باید به قدری غیرقابل تحمل باشد که فرد هیچ گزینه‌ای جز ارتکاب جرم نداشته باشد. این معیار در آمریکا نیز وجود دارد، اما ممکن است تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد. همچنین، از نظر قلمرو جرایم مشمول این دفاع، تنها جرم قتل در ایران مستثنی است، در حالی که این قلمرو در ایالات متحده به نوع جرم و قوانین محلی بستگی دارد. در هر دو نظام، فرد مکره باید نشان دهد که هیچ تقصیری در ارتکاب جرم نداشته، اگرچه در آمریکا بار اثبات ممکن است بر عهده متهم باشد. گذشته از این، تهدید می‌تواند نسبت به خود متهم یا دیگران باشد و باید پاسخ به تهدید نیز متناسب و معقول باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The defense of duress constitutes one of the most delicate and normatively complex institutions in criminal law, as it directly mediates between the foundational requirement of voluntary conduct and the demands of justice in circumstances where human agency is overwhelmed by coercive external forces. Criminal responsibility, as traditionally conceived, presupposes the

² United States v. Washington, 57 MJ 394

¹ engaged in the proscribed conduct

vulnerability under extreme pressure. Defense itself is recognized as a core procedural right of the accused and a necessary component of fair criminal adjudication (Nazemian, 1939), extending beyond mere rebuttal of allegations to encompass any lawful effort by the defendant or counsel to avoid unjust conviction (Reed & Bohlander, 2016). Comparative criminal doctrine further classifies defenses into justificatory grounds, excuses, and affirmative defenses (Gardner, 2007), within which duress occupies a unique position as a hybrid institution that partially justifies conduct while simultaneously excusing culpability. The Iranian legal system codifies this defense primarily in Article 151 of the Islamic Penal Code, while American law recognizes it across federal and state jurisdictions through statutory provisions, judicial doctrines, and the influence of the Model Penal Code (Austin, 1920; Robinson, 2014). Despite this shared recognition, the two systems diverge substantially in the procedural allocation of proof, substantive thresholds of coercion, and the scope of crimes to which the defense applies, creating a fertile domain for comparative legal analysis.

At the core of the defense of duress lies the element of threat, without which coercion cannot be established in either system. Iranian law implicitly presupposes the existence of threat even though Article 151 does not explicitly employ the term (Shambiyati, 2022). Juristic analysis clarifies that mere instruction or request does not constitute duress absent a coercive threat, and that the threat may relate to life, bodily integrity, property, or honor (Goldouzian, 2022). While debate persists concerning financial threats (Shams Nateri, 2019), influential Shi'i jurists affirm that severe economic harm may suffice when it exceeds tolerable human endurance (Najafi, 2013). Threats need not be verbalized explicitly, as coercion may arise from surrounding circumstances or from the

coercer's conduct itself (Najafi, 2013). American law articulates this requirement with greater explicitness: federal statutes, state criminal codes, and the Model Penal Code uniformly require a "threat" as a prerequisite for duress, a principle repeatedly confirmed in judicial precedent such as *Attorney General v. Whelan* (Reed & Bohlander, 2016). In U.S. doctrine, the threat must generally concern death or serious bodily injury, while threats to property alone are insufficient (Dsouza, 2017). The form of threat may be written, oral, electronic, or even implied through conduct, and courts evaluate whether the circumstances would generate fear in a reasonable person (Mir Mohammad Sadeghi, 2021). Thus, both systems converge on threat as the cornerstone of duress, while diverging on its scope and qualifying content. Beyond the existence of threat, both legal systems impose the requirement of illegality, meaning that the threatened harm must itself be unlawful. In Iranian law, the absence of lawful entitlement to inflict the threatened harm is essential, such that no duress exists where the threatened act is legally justified (Mousavi Bojnourdi, 2006). Although Article 151 does not explicitly articulate this requirement, the concept of "unbearable" pressure inherently presupposes illegality, since lawful enforcement measures cannot constitute unlawful coercion. Iranian civil law reinforces this understanding through Articles 202–205 of the Civil Code, which require real, effective, and intolerable threats. American criminal law is even more explicit: virtually all federal and state formulations of duress condition the defense upon the presence of "unlawful force" (Hossein Abadi Rezaei & Bornazadeh, 2017; Robinson, 2021). A further temporal dimension concerns the immediacy of the threat. Iranian law does not expressly require the danger to be imminent, recognizing that future threats may still exert intolerable pressure when escape is

impossible. By contrast, U.S. federal doctrine and the majority of states impose a strict imminence requirement, mandating that the threatened harm be immediate and unavoidable, a position confirmed in *United States v. Thompson* (2006) and extensively analyzed in the literature (Tamblyn, 2018). A final structural condition concerns the feasibility of execution of the threat: Iranian jurisprudence focuses on the victim's fear rather than objective probability, holding that sincere apprehension suffices (Mousavi Khomeini, 1994), whereas American law frequently requires a "reasonable belief" that the threat will be carried out (Robinson, 2021). Both systems also extend duress to threats against third parties, including strangers, with U.S. jurisdictions explicitly permitting such reliance in the majority of states (Robinson, 2021).

A further defining requirement is the intolerability of the coercion. Iranian law uniquely embeds this criterion in the text of Article 151, requiring that the pressure be "unbearable." Juristic analysis integrates both objective and subjective standards, evaluating the accused's age, gender, psychological resilience, social status, and circumstances alongside reasonable-person expectations (Fazel Lankarani, 2000; Gholami, 2012; Katouzian, 2014). Civil Code Article 202 reinforces this dual standard. American law, though not using the explicit term "intolerable," applies the same concept through common-law doctrine: coercion must effectively override the will of a reasonable person under the circumstances (Herring, 2012), and courts acknowledge the inherent difficulty of assessing human responses to extreme fear (Pollock, 2012). Another pivotal limitation concerns the scope of crimes eligible for the defense. Iranian law categorically excludes intentional homicide from duress, a position rooted in Shi'i jurisprudence and reinforced by doctrinal authorities (Amiri,

2024; Samimi, 2015; Sayyadi, 2024). This exclusion reflects the principle of equal sanctity of human life and the doctrine of "no preference without justification" (Ghods, 2015). American law presents a more fragmented landscape: while most jurisdictions exclude murder, others extend the exclusion to rape, kidnapping, serious bodily injury, and drug offenses (LaFave & Polinsky, 2015; Robinson, 2021). Philosophical debate persists, with some scholars criticizing the exclusion of homicide as morally inconsistent (Isserow & Klein, 2017), while others defend it as a necessary affirmation of the inviolability of life (Westen & Mangiafico, 2003).

The doctrine of clean hands further restricts the defense in both systems. An accused who voluntarily and knowingly places themselves in circumstances likely to produce coercion is barred from invoking duress in Iran, even though the statute is silent on this condition (Mohaghegh Damad, 2023). This principle mirrors the dominant American rule, adopted by at least twenty-seven jurisdictions, which denies the defense where the defendant's own culpable conduct contributed to the coercive situation (Robinson, 2021). Finally, the proportionality of the response is essential: the crime committed under duress must be no more severe than the threatened harm. Iranian law entrusts this assessment to judicial discretion, considering the totality of circumstances. American courts likewise examine whether the defendant's conduct exceeded what was reasonably necessary to avert the threat, as illustrated in *United States v. Washington* (2002). These layered conditions reveal that duress operates not as a blanket excuse but as a narrowly circumscribed doctrine balancing moral compassion with legal order.

In conclusion, the comparative study of the defense of duress in Iranian and American criminal law demonstrates a shared

commitment to preserving human dignity while safeguarding the integrity of the criminal justice system. Both systems recognize that punishment is unjust where coercion destroys genuine choice, yet both carefully limit the defense to prevent abuse and preserve accountability. While Iran emphasizes doctrinal coherence grounded in Islamic jurisprudence and moral philosophy, the United States constructs its doctrine through statutory pluralism and judicial refinement. Despite these structural differences, the underlying normative vision remains the same: criminal law must neither demand heroism beyond ordinary human capacity nor tolerate exploitation of coercion as a shield for wrongdoing.

References

- Amiri, A. (2024). *Jurisprudential and Legal Investigation of Duress and Coercion in the Iranian Criminal System*. Amiri Publications.
- Ardabili, M. A. (2021). *General Criminal Law*. Mizan Publications.
- Austin, J. (1920). *Austin on Jurisprudence: Student's Edition*. John Murray.
- Dsouza, M. (2017). *Rationale-Based Defences in Criminal Law*. Bloomsbury Academic.
- Fazel Lankarani, M. (2000). *Tafsil al-Sharia fi Sharh Tahrir al-Wasilah: Divorce, Inheritance*. Fiqh Center of A'immah Athar.
- Gardner, J. (2007). *Offences and Defences: Selected Essays in the Philosophy of Criminal Law*. Oxford University Press.
- Ghodsi, S. E. (2015). *Crimes Against the Human Body in Iranian Criminal Law*. Gam-e Hagh.
- Gholami, A. (2012). Necessity, Coercion, and Duress: From Synonymy to Difference. *Islamic Law Research Letter*(35), 39-52.
- Goldouzian, I. (2022). *Essentials of General Criminal Law*. Mizan Publications.
- Green, S. (2024). Homicide Exceptions to Four Criminal Law Defenses: Consent, Duress, Necessity, and Statutes of Limitations. *Rutgers Law School Research*(3), 149-173.
- Herring, J. (2012). *Criminal Law: Text, Cases, and Materials*. OUP Oxford. <https://doi.org/10.1093/he/9780199646258.001.0001>
- Hossein Abadi Rezaei, J., & Bornazadeh, P. (2017). Investigation of Duress and Coercion from the Perspective of Jurisprudence and Law. *Political Science, Law, and Jurisprudence Studies*(4), 60-80.
- Isserow, J., & Klein, C. (2017). Hypocrisy and Moral Authority. *Journal of Ethics and Social Philosophy*(12), 191-199. <https://doi.org/10.26556/jesp.v12i2.224>
- Katouzian, N. (2014). *General Rules of Contracts*. Sahami Enteshar.
- LaFave, W. R., & Polinsky, A. M. (2015). *Criminal Law*. West Academic Publishing.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2021). *General Criminal Law: Criminal Responsibility*. Dadgostar Publications.
- Mohaghegh Damad, S. M. (2023). *Rules of Jurisprudence (Penal Section)*. Islamic Sciences.
- Mousavi Bojnourdi, S. M. (2006). *Rules of Jurisprudence*. Majd Publications.
- Mousavi Khomeini, S. R. (1994). *Al-Makasib al-Muharramah*. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Najafi, M. H. (2013). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Islamiyeh Publications.
- Nazemian, A. (1939). The Certainty of the Necessity of the Right of Defense. *Legal Collection*(120), 2-19.
- Pollock, J. (2012). *Criminal Law*. Elsevier. <https://doi.org/10.4324/9781315721828>
- Reed, A., & Bohlander, M. (2016). *General Defences in Criminal Law: Domestic and Comparative Perspectives*. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9781315584263>
- Robinson, P. (1997). *Structure and Function in Criminal Law*. Clarendon Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198258865.001.0001>
- Robinson, P. (2009). *Objective Versus Subjective Justification: A Case Study in Function and Form in Constructing a System of Criminal Law Theory*. Oxford.
- Robinson, P. (2014). Murder Mitigation in the Fifty-Two American Jurisdictions: A Case Study in Doctrinal Interrelation Analysis. *Texas Tech Law Review*(47), 19-40. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2419475>
- Robinson, P. (2021). *The American Criminal Code: General Defenses*. University of Pennsylvania Law School.
- Samimi, M. J. (2015). *Duress in Murder from the Perspective of Islamic Schools' Jurisprudence and Criminal Laws of Afghanistan*. Al-Mustafa International Translation and Publication Center.
- Sayyadi, M. (2024). *Duress in Iranian Criminal Law with an Approach to Imami Jurisprudence*. Azarfar.
- Shambiyati, H. (2022). *General Criminal Law*. Majd Publications.
- Shams, A. (2022). *Advanced Civil Procedure*. Drak Publications.
- Shams Nateri, M. E. (2019). *Islamic Penal Code in the Current Legal Order*. Mizan.

- Tamblyn, N. (2018). *The Law of Duress and Necessity: Crime, Tort, Contract*. Taylor & Francis Group.
<https://doi.org/10.4324/9781315098883>
- Westen, P., & Mangiafico, J. (2003). The Criminal Defense of Duress: A Justification, Not an Excuse-And Why it Matters. *New Criminal Law Review*, 6(2), 833-847.
<https://doi.org/10.1525/nclr.2003.6.2.833>
- Williams, G. (1961). *Criminal Law: The General Part*. Stevens and Sons.